نگاه

از اینترنت بگو، به تکرار!

حسین رمضان‌زاده
عضو هیئت‌مدیره پلتفرم کارزار

آنچه این روزها دیگر هیچ تعجبی برنمی‌انگیزد، قطع اینترنت در شرایط ویژه است. به عمد از عبارت «شرایط ویژه» استفاده می‌کنم و نه شرایط جنگی، شرایط بحرانی، امنیتی یا ... . احتمالا خوانندگان این سطور به خاطر دارند که در سال‌های گذشته حتی سابقه داشته است که به دلیل برگزاری کنکور یا امتحان نهایی نیز اینترنت منطقه اطراف حوزه برگزاری آزمون قطع شود. بی‌آنکه متوجه باشند و اصلا اهمیتی قائل باشند که اتصال به اینترنت یک حق شهروندی است. این موضوع برای تقریبا همه شهروندان بدیهی و شاید از فرط تکرار دل‌آزار است که در این روزگار دسترسی به اینترنت نه یک امتیاز ویژه، بلکه حق است. حق تک‌تک شهروندانی که در طول سال هزینه می‌کنند و به طرق مختلف به شبکه جهانی متصل می‌شوند، اما غم‌انگیز آنکه این جمله بدیهی و دل‌آزار از فرط تکرار را می‌توان به‌عنوان نادیده‌ترین جمله در ذهن و روندهای تصمیم‌گیری دولتمردان نیز در نظر گرفت.

سال‌ها فعالان اقتصادی و تلاشگران دسترسی به اینترنت آزاد، سیاسیون، جامعه‌شناسان و یک، دو جین قشر و صنف و متفکر گفتند که این قطعی اینترنت چه آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد. با اقتصاد نحیف دیجیتال کشور و با روح و روان افراد چه می‌کند، اما شنیده نشد؛ تا جایی که مشاور وزیر ارتباطات به‌تازگی اعلام کرده است که این روزها درآمد بسیاری از کسب‌وکارهای اینترنتی تا ۸۰ درصد کاهش یافته است.

قابل درک و تلخ اینکه شنیده‌نشدن و تلخی نادیده گرفته‌شدن منجر به این شده که دیگر «قطعی اینترنت» به یک موضوع بدیهی در هر شرایط ویژه‌ای بدل شود. گویی دیگر اذهان ما شهروندان با این قطعی هم مانند دیگر قطعی‌ها خو گرفته است. موضوع تا جایی پیش رفته که در شرایط خاص، تأخیر در قطع اتصال شهروندان به اینترنت در کوچه و خیابان مایه سؤال همگان می‌شود که «پس چرا هنوز اینترنت ما وصل است؟».

گمان می‌کنم این نقطه، با آنکه پیش‌بینی‌پذیر بود، اما بی‌اندازه خطرناک و ضربه‌زننده است. در شرایطی که آسیب‌های یک ثانیه قطعی اینترنت قابل اندازه‌گیری نیست، عادت به نبود آن یعنی پذیرش آسیب‌های جبران‌ناپذیر به اقتصاد کشور، بستن راه ارتباطی کنشگران با یکدیگر و بسیار موارد دیگر که قصه پرغصه هرکدام به‌تنهایی می‌تواند تبدیل به یک کتاب شود.

باید مدام تکرار شود که این قطعی‌ها که جز تضعیف کشور در همه عرصه‌ها هیچ آورده‌ای ندارد، چه بر سر ما شهروندان می‌آورد. این پذیرش قطعی اینترنت در شرایط ویژه نباید منجر به آن شود که فراموش کنیم دسترسی به اینترنت در هر شرایطی یک حق انکارناپذیر است. باید از انجمن‌های صنفی، نهادهای علمی و اندیشمندان حوزه‌های مختلف خواست که از حق شهروندان دفاع کنند.

پرسش‌های جدی وجود دارد که آیا به‌راستی برای تأمین امنیت کشور هیچ راهی جز قطع دسترسی مردم به اینترنت وجود ندارد؟ خبرگان حوزه امنیت ملی در این زمینه باید نظر دهند که آیا در همه کشورهای دنیا در همه شرایط خاص، اولین اقدام عملی، قطع دسترسی شهروندان به اینترنت است؟ تا آنجا که هر سال با نزدیک‌شدن به برگزاری آزمون‌های سراسری، زمزمه آن شنیده شود؟ اصناف که در دوره‌های متعدد در این زمینه صحبت کرده‌اند، نباید به بهانه‌های واهی یا مکدر شدن از برخوردهای گذشته، احساس خستگی و در این زمینه سکوت کنند. هر یک روز قطعی اینترنت، به معنی آسیب‌های ویرانگر به اقتصاد کشور است. خستگی در اینجا معنی ندارد.

باید بارها برای برخی از تصمیم‌گیران توضیح داد که اگر امروز مشکلات بزرگ ناشی از هک‌شدن پلتفرم‌های مختلف گریبان کشور را گرفته است، درمان آن بستن دسترسی‌ها نیست؛ زیرا که همین بستن دسترسی‌ها، کیفیت نازل اینترنت، فیلترینگ گسترده، تحریم‌های دیجیتال (که رفع آن اولویت آخر دستگاه‌های مسئول است)، بی‌توجهی به نظر متخصصان این حوزه و بی‌توجهی مطلق به فعالان واقعی بخش خصوصی است که سبب این مشکلات شده.

تکرار این سطور نباید ما را خسته کند و نباید با این قطعی‌ها مانند یک پدیده عادی برخورد کنیم. قطعی اینترنت تضییع حق و حقوق ۹۰ میلیون ایرانی است و برای تأمین امنیت باید راهی یافت که منجر به این تضییع نشود. باید به میدان آمد و هر روز این جملات بدیهی را برای تصمیم‌گیران تکرار کرد: اینترنت حق ماست.

دوست و هم‌خوابگاهی «فاطمه صدیقی‌صابر» در گفت‌وگو با «شرق»:

آرزو داشت روان‌پزشک شود

شرق: هنوز جنگ شروع نشده بود که «سارا» و «رومینا» با هم خداحافظی کردند. مقابل ترمینال اصفهان همدیگر را در آغوش گرفتند، بوسیدند و قول دادند که بعد از تمام‌شدن فرجه امتحانات دانشگاه، همین‌جا با هم راهی خوابگاه شوند. از آبان سال گذشته با هم دوست شده بودند؛ وقتی سارا به عنوان سال اولی پزشکی دانشگاه اصفهان وارد اتاق خوابگاه شد و «رومینا»ی سال‌بالایی به عنوان نخستین نفر به او دست داد. رابطه آنها خیلی زود صمیمی شد. رومینا می‌خواست برای تخصص، مغز و اعصاب بخواند و سارا روان‌پزشکی. جنگ اما رومینا را عزادار کرد. درست ۲۳ روز پس از اینکه با هم جشن تولد گرفتند، سارا پر کشید و رفت: «دانشگاه را تعطیل کردند تا ما برای فرجه امتحانات راهی شهرهای خودمان بشویم. من به خرم‌آباد رفتم و سارا به تهران. مقابل ترمینال با هم خداحافظی کردیم و قرار شد خیلی زود دوباره همدیگر را ببینیم که جنگ شروع شد. ۲۳ خرداد برادر ۱۷ساله‌اش حمیدرضا را از دست داد و پس از آن بود که به آستانه اشرفیه و خانه پدربزرگش رفتند. اما آتش آنجا هم سراغشان رفت و این‌بار خودش، خواهر کوچک‌ترش محیا، مادر و پدرش و تعداد زیادی از بستگانش کشته شدند». فاطمه صدیقی‌صابر که سارا صدایش می‌کردند، دختر محمدرضا صدیقی‌صابر، دانشمند هسته‌ای بود که در حمله سوم تیرماه توسط اسرائیل، به همراه ۱۱ نفر از بستگانش کشته شد. رومینا منوچهرآبادی، از دوستان دانشگاهی سارا حالا از این فقدان بزرگ به «شرق» می‌گوید: «حیف جوانی‌اش و تمام رؤیاهایی که داشت. سارا دختر باهوشی بود و خیلی به مردم فکر می‌کرد. وقت‌هایی که خسته از درس و کلاس دور حوض دانشکده می‌نشستیم و از همه چیز دنیا با یکدیگر گپ می‌زدیم، می‌فهمیدم که چقدر ایران و مردمش برایش اهمیت دارد. برایش مهم بود که دیگران را ناراحت نکند و به احساسات بقیه اهمیت می‌داد. خیلی کتاب می‌خواند، باشگاه می‌رفت و می‌خواست تابستان امسال کلاس نقاشی ثبت‌نام کند. دختر روشنفکری بود و عقایدش از روی فکر و اندیشه بود».

او در حالی توسط موشک اسرائیل جان داد که فقط ۱۹ سال داشت: «باورم نمی‌شود که سارا را از دست داده‌ام. ما خیلی به هم نزدیک شده بودیم. شب‌ها تا دیروقت حرف می‌زدیم و گاهی حتی روی تخت من، می‌خوابید. هم‌سن خواهر کوچک‌ترم بود و من حس می‌کردم به‌عنوان بزرگ‌تر باید از او محافظت کنم. از روزی که خبر را شنیده‌ام به زور شبی دو ساعت چشمانم خواب رفته است. از تصور اینکه به اصفهان برگردم، به آن شهر و دانشگاه و خوابگاه بروم و سارا نباشد نفسم تنگ می‌شود. تصور اینکه وسایلش را ببینم در حالی که خودش زیر خاک رفته، روحم را از بدنم خارج می‌کند. کاش هیچ‌وقت نمی‌گذاشتم به شهرشان برگردد. کاش با هم در اصفهان می‌ماندیم».

«دلم برات تنگ شده». این آخرین پیامی بود که سارا برای رومینا نوشت و پس از آن دیگر تلفنش برای همیشه از دسترس خارج شد. نه‌فقط تلفنش که خودش هم: «۱۱ خرداد تولدش بود و برایش با دوستانم جشن گرفتیم. کیک خوردیم، او شمع تولدش را فوت کرد و آرزو کرد. می‌خواست روان‌پزشکی بخواند. رؤیاهای زیادی در سر داشت. مثل عضوی از خانواده خودمان دوستش داشتم و حتی بعد از اینکه برادرش کشته شد هم با هم حرف زدیم، اما پس از اینکه از تهران رفتند دیگر صدایش را نشنیدم. فقط یک روز به من پیام داد: «دلم برات تنگ شده». همین هم شد جمله آخرش. باورم نمی‌شود که او را برای همیشه از دست داده‌ام. باورم نمی‌شود که دیگر قرار نیست همدیگر را ببینیم و با هم درس بخوانیم و از همه جهان حرف بزنیم. باورم نمی‌شود که در این سن کم، دوستی را از دست داده‌ام که صمیمی‌ترین فرد زندگی‌ام شده بود».

روایت پدر و مادر از فرزندشان «مجتبی ملکی» امدادگر هلال احمر که در انفجار محله چیتگر تهران شهید شد:

زانوهایمان سست شد اما سرمان بالاست

شرق: زمستان پارسال ۳۰ سال را رد کرده بود و با همسرش برنامه داشتند تا کم‌کم کودکی را به جمع خانواده دو نفره خود اضافه کنند. جنگ اما همه چیز را ویران کرد. در آخرین روزهای بهار، وقتی اسرائیل آتش خود را رو به آسمان ایران گشود، برای امدادرسانی به مردم آسیب‌دیده در محله چیتگر تهران اعزام شده بود که شلیک‌های یک پهپاد، جان عزیزش را گرفت. مجتبی ملکی یکی از چهار امدادگر هلال‌احمر بود که ۲۶ خرداد برای مداوای زخمی‌های انفجارهای محله چیتگر تهران اعزام شده بود، اما دیگر هیچ‌وقت به خانه برنگشت. محمد ملکی، پدر «مجتبی» از نخستین روزهای حضور پسرش در هلال احمر می‌گوید: «سال ۸۶ بود که ما برای زندگی به نطنز رفتیم. مجتبی آن روزها ۱۴ سال داشت و تحت‌تأثیر برادرش که داوطلب جمعیت هلال احمر بود به این سمت رفت. خیلی زود در این حوزه پیشرفت کرد و هنوز ۱۶ سالش نشده بود که توانست در یکی از بزرگ‌ترین و دشوارترین آزمون‌های هلال احمر با قبولی در استان اصفهان درجه ایثاری را کسب کند. درجه‌ای که نیروهای سن و سال‌دار هلال هم به‌سختی آن را کسب می‌کنند. به مرور آن‌قدر به این کار علاقه‌مند شد که حتی پس از قبولی در رشته مهندسی الکترونیک و آغاز تحصیل هم به حضور در هلال احمر ادامه داد».

پدر می‌گوید کمک به مردم اولویت اصلی زندگی مجتبی بود: «مجتبی یک اولویت بزرگ در زندگی داشت و آن‌هم این بود که تا حد توانش به دیگران کمک کند. برایش فرقی نمی‌کرد که آن فرد چه ایده و نظری دارد. یاری‌رساندن برایش ارزشی ورای هر فکری بود. وقتی در اصفهان بودیم علاوه بر فعالیت در هلال احمر راهنمای کوهستان هم بود. تیم‌های مختلف خارجی حرفه‌ای را برای صعود به قله کرکس که مرتفع‌ترین قله استان اصفهان است، هدایت می‌کرد. حتی در برف و باران هم صعودهای زمستانه داشت و این اواخر چندین‌مرتبه به شکل انفرادی هم صعود کرده بود. همه گروه‌ها همیشه از روحیه مثال‌زدنی همکاری و صبوری او در کوهستان تعریف می‌کردند». پدر ادامه می‌دهد: «صبر، حوصله بسیار زیاد در تعامل با مردم، اراده راسخ در انجام کارهای شخصی و گروهی از ویژگی‌های خاص مجتبی بود. از همه مهم‌تر اینکه او همیشه توانایی ویژه‌ای در تعدیل فضاهای بحرانی داشت. شاید باورتان نشود اما با اینکه پسر بزرگ خانواده نبود، حتی در تنش‌های خانوادگی هم او کسی بود که اوضاع و افراد را آرام می‌کرد. همین خصلت‌ها هم سبب شده بود که در هلال‌احمر چهره‌ای شاخص باشد». خانواده مجتبی حالا در فقدانش، تمرین صبر می‌کنند: «ما می‌سوزیم. اشک می‌ریزیم. زانوانمان سست می‌شود. از دست دادن چنین گلی که همه خانواده و دوستانش به او افتخار می‌کردند کار ساده‌ای نیست. اما سرمان بالاست و گله و شکایتی هم نداریم. سرمان بالاست و می‌دانیم که پسرمان برای مردم کشورش جانش را از دست داد. این ضایعه امتحان سختی برای خود ما هم محسوب می‌شود تا حالا در فقدان مجتبی تمرین صبر کنیم».

«اکرم صانعی» مادر مجتبی هم درباره پسرش می‌گوید: «تعریف‌کردن از پسر خودم شاید چندان جالب به نظر نرسد چون به هر حال هر مادری فرزندش را دوست دارد و به او افتخار می‌کند. اما اینها را نه به‌عنوان یک مادر که به‌عنوان یک انسان در قبال انسانی دیگر می‌گویم که مجتبی برای همه آنها که او را می‌شناختند و نمی‌شناختند انسان بی‌نظیری بود. به‌عنوان دوست، همسایه، همسر، فرزند، در هر نقشی مجتبی انسانی بود که جز خیر برای دیگران نمی‌خواست و همه دوستش داشتند».

او با توضیح آخرین مأموریت پسرش، غمگین اما متین و صبور بغضش را کنترل می‌کند: «پسرم همراه یک تیم دیگر برای مداوای زخمی‌های انفجاری در چیتگر اعزام شده بود که پهپادها به اورژانسی که او در آن بود حمله کردند. یکی از دوستانش که آن روز همراهش بوده تعریف می‌کند که در اثر موج انفجار من پرت شدم و وقتی به خودم آمدم دیدم همه بدنم را خون گرفته است و برای چند لحظه احساس کردم لحظات آخر زندگی‌ام است. اما کمی که گذشت فهمیدم خون از بدن من نیامده و حتی یک زخم ساده هم برنداشته‌ام. به اطراف نگاه کردم و دیدم مجتبی پرپر شده است».

خبرهای روز

دستگیری متهمان تیراندازی به محیط‌بان کرمانی

مهر: فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست از دستگیری عاملان تیراندازی به محیط‌بان استان کرمان خبر داد. رضا رستگار در توضیح بیشتر افزود: «براساس گزارش رسیده به مأموران محیط زیست فاریاب، محیط‌بانان به یک خودرو سواری پژو ۴۰۵ که حامل پنج نفر بوده، مشکوک شده که طی عملیات ایست و بازرسی دو نفر از سرنشینان از خودرو پیاده و متواری می‌شوند که پس از تعقیب مسافتی، متأسفانه یکی از افراد اقدام به شلیک مستقیم به پای یکی از محیط‌بانان کرده و سایر افراد نیز متواری می‌شوند. در این مأموریت محیط‌بان «هومن لرحسنی» از ناحیه پا دچار آسیب ناشی از اصابت گلوله شده و به مراکز درمانی منتقل می‌شود». او ادامه داد: «طی بررسی‌های به‌عمل‌آمده و اقدام فنی و پلیسی، کارکنان انتظامی و پلیس آگاهی فراجا، سه نفر از متهمان پرونده را دستگیر کردند و روند قضائی و پیگیری پرونده ادامه دارد». فرمانده یگان حفاظت محیط زیست افزود: «محیط‌بان «لرحسنی» تحت عمل جراحی قرار گرفته و حال عمومی او خوب است».

فراخوان دانشگاه علامه طباطبائی

پارک علم و فناوری دانشگاه علامه طباطبائی برای مسابقه ملی ایده و نوآوری برای ایران با محوریت مقاومت، فراخوان داد. پارک علم و فناوری این دانشگاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در این رقابت، ایده‌های برگزیده پس از ارزیابی جهت کاربردی‌سازی به نهادهای مرتبط معرفی شده و در صورت پذیرش و امکان عملیاتی‌شدن مورد حمایت تجاری‌سازی قرار خواهند گرفت. محورهای این فراخوان در مباحث ایده‌های استارتاپی تولید و مدیریت محتوا، ایده‌های استارتاپی نوآوری اجتماعی خدمت‌رسان حین حوادث، ایده‌های استارتاپی نوآوری اجتماعی خدمت‌رسان پس از حوادث، نوآوری‌های امنیت غذایی در بحران، ایده‌های امنیت سایبری، فین‌تک‌ها و مدیریت دارایی در حوادث، سرورهای ابری در بانکداری و مدیریت دارایی، سلامت روان در بحران، شهر هوشمند، مدیریت بحران‌های غیرمترقبه، اپلیکیشن‌های کاربردی امنیت روان و آرامش خانواده و مشاوره در بحران، ایده‌های تبلغات و اطلاع‌رسانی در شرایط ناامطمینانی، شبکه‌سازی و گفتمان‌سازی در بحران و تاب‌آوری و پایدارسازی کسب‌وکارها تعریف شده است. ایده‌های برگزیده پس از ارزیابی جهت کاربردی‌سازی به نهادهای مرتبط معرفی شده و در صورت امکان‌پذیری مورد حمایت تجاری‌سازی قرار خواهند گرفت. زمان فراخوان و ارسال ایده‌ها از ۳۱ خرداد تا ۱۰ تیرماه ۱۴۰۴ اعلام شده و متقاضیان می‌توانند ایده‌های خود را به ایمیل stpark@atu.ac.ir ارسال کنند.

جدول ۵۰۸۴ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- ارسباران امروزی- وضعیت روحی و خلقی- برآمدگی روی دیوار اتاق‌های قدیمی ۲- شهری در خراسان‌رضوی- برگزیده- تیر پیکاندار ۳- رجولیت- حریص- همبازی هاردی ۴- باد سرد- پیامبران- مظهر حیله‌گری ۵- شعر مراسم سوگواری- صاحب کتاب سیرالعباد الی‌المعاد- گمانه ۶- ازخودگذشتن- مقام و منزلت- بندری در اوکراین ۷- حرکات ورزشی رزمی نمایشی- پایتخت کشور زیمبابوه- حمله نظامی ۸- بیرون- حرف‌زدن آهسته- جمع شیء ۹- همسر مرد- فلزی دیرگداز- برفت و دلشدگان را خبر نکرد ۱۰- فاقد تحرک- آنزیم لوزالمعده- پول کشورهای خارجی ۱۱- به رو خوابیده- اندازه حرکت- کشوری در منطقه آفریقای استوایی ۱۲- گوشه‌نشینی- عتیقه و باستانی- چاه عمیق ۱۳- گرفتن- تاریکی‌ها- سخت و محکم ۱۴- مکمل زیبایی رو- یار عروس- شوفر ۱۵- ناپسندداشتن- مجسمه- بی‌درنگ

عمودی:

۱- اصطلاحی در شطرنج- نیک‌بخت- ماهی ۲- توانا در خلق آثار هنری- سازنده فیلم‌های کارتونی ۳- جوانمرد- وسیله کمک‌حرکتی بیماران- غربال ۴- بادها- حق‌الزحمه- جاندار ۵- یک و یک- نهایت آرزو- سازمان پیمان آتلانتیک‌شمالی- نشانه جمع مؤنث عربی ۶- میوه‌ای با خاصیت طبی شبیه سنجد- کاشف الکل- فروخورنده خشم ۷- زندگی و حیات- سرور و آقا- بی‌سر و پا ۸- کنایه از تغییر نامطلوب در روال کار پیدا شدن است ۹- پایتخت سوئیس- به کمک آن می‌توان اجسام سنگین را آسان‌تر جابه‌جا کرد- عرض ۱۰- سبز مایل به خاکستری- هدیه‌دادن- پول خرد گرجستان ۱۱- علم‌الابدان- حالتی مخصوص زن آبستن- قومی در قفقاز- سنگ آسیاب ۱۲- استانی در سوریه- بسیار بخشنده- ژانری در سینما ۱۳- یگانه- نوشیدنی حرام- بلندترین قله زاگرس ۱۴- مهارت و استادی- آزرده‌خاطر شدن ۱۵- بتی در عصر جاهلیت- قند نیشکر- قرض.

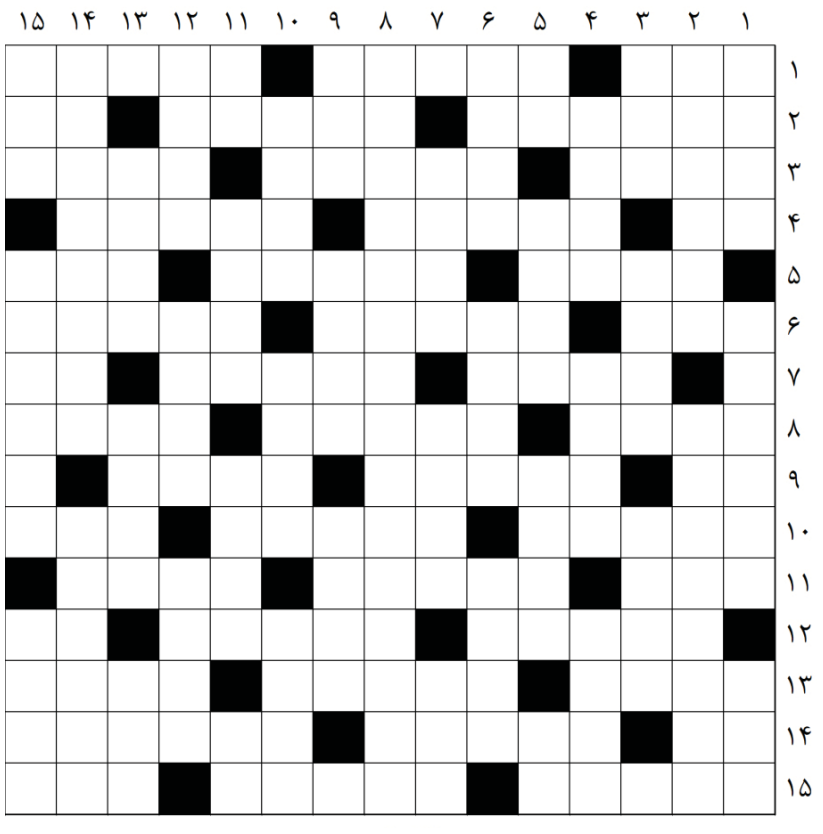

حل سودوکو ۴۰۷۹

۴	۹	۱	۵	۶	۲	۳	۷	۸
۵	۸	۲	۴	۷	۳	۹	۱	۶
۶	۳	۷	۹	۱	۸	۴	۲	۵
۱	۵	۶	۷	۲	۴	۸	۳	۹
۹	۲	۸	۶	۳	۵	۱	۴	۷
۳	۷	۴	۱	۸	۹	۶	۵	۲
۸	۱	۳	۲	۹	۷	۵	۶	۴
۷	۴	۹	۳	۵	۶	۲	۸	۱
۲	۶	۵	۸	۴	۱	۷	۹	۳

۹	۴	۳	۶	۸	۱	۷	۵	۲
۵	۶	۱	۳	۲	۷	۴	۹	۸
۷	۲	۸	۵	۹	۴	۶	۱	۳
۲	۱	۵	۴	۳	۶	۹	۸	۷
۳	۷	۴	۸	۵	۹	۲	۶	۱
۸	۹	۶	۱	۷	۲	۵	۳	۴
۱	۵	۷	۹	۴	۸	۳	۲	۶
۴	۸	۹	۲	۶	۳	۱	۷	۵
۶	۳	۲	۷	۱	۵	۸	۴	۹

حل جدول ۵۰۸۳

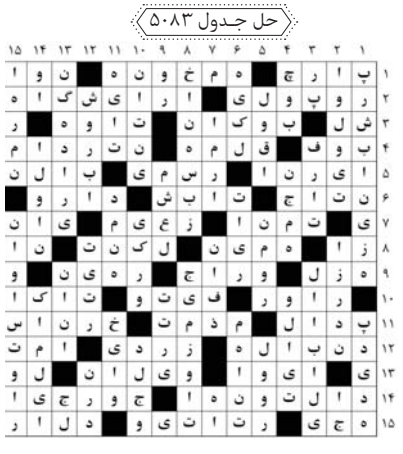

سودوکو سخت ۴۰۸۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳								
۷			۱			۸		
	۹	۴		۲				۱
	۱	۲	۴		۷			۳
۹			۵		۲	۷	۶	
۲				۹		۴	۱	
		۶			۵			۲
								۷

سودوکو ساده ۴۰۸۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۹	۴							
۳	۸	۵	۷	۹				۲
۶		۷	۵		۳			۸
				۱	۵			۳
	۳			۷			۶	
۵			۹	۳				
۴			۸		۹	۱		۷
۱				۶	۷	۲	۸	۴
							۵	۶